

تروریسم زیست‌محیطی در حقوق کیفری فرانسه و تطبیق آن با جرم‌انگاری‌های مشابه در ایران

علیرضا میرکمالی *

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

امین حاجی‌وند

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

فرشید صفری

دانشجوی کارشناسی ارشد آلودگی‌های محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۲/۶)

چکیده

تروریسم و پیچیده شدن این پدیده از لحاظ مطرح شدن انواع جدید آن، در رأس دغدغه‌های هر نظام حقوقی قرار گرفته‌است. در این زمینه از لحاظ حقوق کیفری، باید حمایت کیفری همه‌جانبه‌ای را در این خصوص لحاظ کرد. یکی از اقسام تروریسم که در عین حال مهم‌ترین و خطرناک‌ترین نوع آن است، تروریسم زیست‌محیطی است. در میان نظام‌های حقوقی، فرانسه با تدوین موادی در قانون مجازات جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۲ میلادی، برای اولین بار تفکیکی را در خصوص جرائم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی ارائه کرده است که به تبع آن در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز در فصل جداگانه‌ای، رسیدگی‌های افتراقی به جرائم تروریستی را پیش‌بینی کرده است. مقنن فرانسوی با آوردن عبارت «هدف اخلال شدید در نظم عمومی» در ماده ۲-۴۲۱ قانون مجازات که فی‌نفسه عنصر اصلی یک جرم تروریستی است، تروریسم زیست‌محیطی را که در این ماده در حکم تروریسم دانسته شده، از جرائم زیست‌محیطی دیگر همچون آلوده کردن آب، هوا و... تفکیک کرده است. در حقوق ایران جرم مستقلی تحت عنوان تروریسم زیست‌محیطی وجود ندارد، اما در قوانین متعدد جلوه‌هایی از مفهوم تروریسم زیست‌محیطی یافت می‌شود که یکی از این موارد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. در این مقاله به بررسی تعریف و موارد مشابه تروریسم زیست‌محیطی در حقوق ایران پرداخته و به تطبیق آن با کشور فرانسه به‌عنوان نظام حقوقی پیش‌تاز در زمینه جرم‌انگاری و کیفرگذاری در خصوص این قسم از تروریسم می‌پردازیم.

واژگان کلیدی

تروریسم زیست‌محیطی، جرائم زیست‌محیطی، جرم‌انگاری، حمایت کیفری، مجازات.

مقدمه

تروریسم از این منظر که همواره ذیل عناوین مختلف مطرح شده، موضوعی قدیمی است، اما جدید بودن تروریسم به دلیل مصادیق نوین آن است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۵۹۱). پیشرفت علوم و فنون تکنولوژی سبب شده که پدیده تروریسم پیچیده‌تر از گذشته مطرح شود و حقوق بنیادین بشری را نشانه رود. در واقع، فناوری، تروریسم را در صحنه بین‌المللی وارد جایگاه جدیدی کرده و همین عامل به اختلافات بیشتر در خصوص روش برخورد با تروریسم منجر شده است (Nye, 2004: 206). در روند نسل بندی حقوق بشری، نسل سوم حق‌ها مولود اقتضانات دنیای مدرن است که مهم‌ترین این حق‌ها، حق بر محیط زیست سالم است (مشهدی، ۱۳۹۲: ۳۷).

از آن جهت که از یک سو تروریسم سبب نقض حقوق بشری می‌شود و ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به این مهم اشاره دارد و از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین حق‌های بشری حق بر محیط زیست سالم است، باید در قبال تخریب محیط زیست حمایت کیفری مناسبی اتخاذ شود تا مخربان محیط زیست به آسانی و در راستای خلأ قانونی نتوانند از چنگال قانون فرار کنند یا اینکه خود را تحت لوای عنوان مجرمانه خفیف‌تر قرار دهند و از تخفیف و تعلیق و سایر نهادهای ارفاقی بهره‌مند شوند و ضربه‌های دهشتناکی را به امنیت کشور وارد کنند. در واقع آنچه سبب شده تا تروریسم معضل قرن بیست‌ویکم نام گیرد، مصادیق نوین آن بوده است. یکی از مصادیق نوین تروریسم، تروریسم زیست‌محیطی است که زیست‌بوم بشری را نشانه رفته و نه تنها امنیت ملی یک کشور، بلکه امنیت بین‌المللی را نیز با نگرانی‌های شدیدی مواجه ساخته است، چراکه بحث محیط زیست و مسائل زیست‌محیطی ارتباط مستقیم با حیات و زندگی جمعی انسان دارد و هر نوع عارضه و اثر منفی بر محیط زیست آثار زیانباری بر حیات انسانی خواهد داشت. از جمله ابعاد نوین امنیت، بعد زیست و شرایط اقلیمی هر کشور است. محیط زیست از آن جنبه که می‌تواند موجبات تقویت بنیه‌های اقتصادی و سلامت جسمی و روانی کشور را فراهم سازد، عاملی مطلوب و تقویت‌کننده در جهت اهداف امنیت ملی به‌شمار می‌رود. امنیت محیط زیست به مفهوم وجود شرایطی است که امنیت نسبی مطلوبی را در برابر خطرهای تهدیدهای ناشی از فعل و انفعالات گهواره زمین، پدیده‌های جوی، آلودگی خاک، آب‌وهوا، آلودگی صوتی و اشاعه بیماری‌ها برای ادامه حیات سالم، ثمربخش و بانشاط انسان، جانوران، گیاهان و به‌طور کلی تمام موجودات زنده و عدم تخریب جامدات فراهم سازد (زارع مهدوی و دانش‌ناری، ۱۳۹۵: ۵۲).

از لحاظ تاریخی، در سال ۱۹۹۱ میلادی، نیروهای عراقی سبب دو آلودگی بزرگ نفتی در آب‌های خلیج فارس شدند. دو هفته بعد صدام حسین دستور تخلیه بشکه‌های نفت را داد که در پی این دستور حدود ۶۰۰۰ بشکه نفت در آب‌های خلیج فارس سوخت. این حوادث باعث برانگیختن جامعه بین‌المللی و رئیس‌جمهوری آمریکا جورج بوش برای متهم کردن عراق به تروریسم زیست‌محیطی شد. در پی آن واژه تروریسم زیست‌محیطی از طرف مردم آمریکای شمالی پذیرفته شد. در محیط دانشگاهی نیز این واژه توجه زیادی را به خود جلب کرد. از آن زمان اصطلاح تروریسم زیست‌محیطی به عرصه سیاست، رسانه‌ها و دانشگاه‌های آمریکای راه یافت. در کنفرانس

بین‌المللی مجازات کیفری برای حمایت از محیط زیست که مشترکاً توسط دانشگاه بریتیش کلمبیا و سازمان ملل حمایت می‌شد، اعلام شد که تروریسم زیست‌محیطی تهدیدی برای امنیت بین‌المللی است (یوسف‌زاد، ۱۳۹۱: ۸). مقنن فرانسه نیز در پی حمله به چاه‌های نفتی کویت توسط عراق، اقدام به جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی کرد (Leclercq, 1994: 238).

امروزه سوءاستفاده از محیط زیست و موجودات زندهٔ جهانی، هم به صورت هدف و هم به عنوان ابزاری در جهت فعالیت تروریستی نمایان شده است. جرائم زیست‌محیطی امروزه به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و با توجه به خصیصه‌های این دسته از جرائم، همچون حالت خطرناکی مجرمان زیست‌محیطی، مطرح بودن ضرر در سطوح ملی، منطقه‌ای و فراملی، می‌توانند در قالب تروریسم نیز مطرح شوند، از این رو باید حمایت کیفری همه‌جانبه‌ای در این زمینه صورت گیرد. نظام حقوقی فرانسه در این زمینه پیشتاز بوده و در قانون مجازات خود جرائم زیست‌محیطی را تحت شرایطی در حکم تروریسم لحاظ کرده است که می‌توان گفت از لحاظ مفهوم، همان تروریسم زیست‌محیطی است. از آنجا که در حقوق ایران جرم مستقلی به نام تروریسم زیست‌محیطی وجود ندارد، در قوانین متعدد جلوه‌هایی از تروریسم زیست‌محیطی یافت می‌شود. این مقاله علاوه بر شناسایی نظام جرم‌انگاری ایران و فرانسه در خصوص تروریسم زیست‌محیطی به پرسش‌های ذیل نیز پاسخ خواهد داد:

- تروریسم زیست‌محیطی به چه معناست؟ آیا این نوع تروریسم با بیوتروریسم و اکوتروریسم و اگروتروریسم^۱ تفاوت دارد؟
- ضرورت جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی بر چه ادله‌ای استوار است و در نظام حقوقی ایران، در خصوص تروریسم زیست‌محیطی چه جرم‌انگاری‌های مشابهی دیده می‌شود؟

۱. مفهوم تروریسم زیست‌محیطی

قبل از اینکه وارد مفهوم شناسی تروریسم زیست‌محیطی شویم، بهتر است با مفهوم ترور آشنا شویم. ترور از ریشهٔ ترس به معنای ترساندن و وحشت است. حداقل ۲۱۲ تعریف مختلف از تروریسم وجود دارد که در جهان استفاده می‌شود (Spencer 2006: 3). از مشهورترین تعاریف از تروریسم تعریف الکس اشمید است که تروریسم را چنین تعریف می‌کند: «تروریسم یعنی شیوهٔ ایجاد وحشت توسط اقدامات خشونت‌آمیز مکرر توسط افراد، گروه‌ها یا بازیگران دولتی به دلایل سیاسی، جنایی و غیرمعمول در جایی که اهداف مستقیم، اهداف اصلی نیستند. قربانیان چنین خشونت‌هایی اغلب به طور تصادفی یا گزینشی از میان جمعیت هدف انتخاب می‌شوند و به عنوان مولدهای پیام‌رسانی عمل می‌کنند» (Schmid, 1993: 8).

ژیلبرگیم در پی تحقیقات اشمیت، سه شرط را برای تروریستی قلمداد کردن اقدام مجرمانه ضروری می‌داند:

1. Agro-terrorisme

الف) ارتکاب برخی از افعال خشونت‌آمیز به‌نحوی که قتل یا صدمات جسمانی برجسته‌ای به‌وجود آورد؛

ب) قصد معین یا طرح هماهنگ فردی یا جمعی برای ارتکاب اعمال مذکور؛

ج) با قصد غایی ایجاد رعب و وحشت نزد اشخاص معین، گروه یا در بین عموم مردم (Gullaume, 1989: 215).

در مورد مفهوم تروریسم تنها چیزی که به‌یقین می‌توان گفت، این است که شامل خشونت یا تهدید به خشونت می‌شود (عالی‌پور، ۱۳۸۵: ۵۸۴). تروریسم، گونه‌ای از خشونت است که توأم با استفاده سیستماتیک یا تهدید به توسل به قتل، جرح و خرابکاری برای تهدید یا ترساندن گروه موردنظر که وسیع‌تر از قربانیان آنی جرم هستند یا به‌منظور ایجاد جو رعب و هراس صورت می‌گیرد. تروریسم در بسیاری از کشورها عملی مجرمانه شناسایی شده، حال آنکه مشکل مفهومی آن پابرجاست (مهرآ و کارگری، ۱۳۹۳: ۵۶). دلیل تنوع تعاریف تروریسم این است که متأسفانه امروزه بحث تروریسم، بیشتر جنبه سیاسی به خود گرفته است تا جنبه حقوقی. تروریسم در شکل و محتوا نیز در حال تحول است. مثلاً تروریسم دیگر تنها به شکل انفجار نیست و وسایل با خشونت کمتر ولی مؤثرتر و دارای ارباب بیشتر نظیر شیوع میکروبی خاص مطرح است. به‌علاوه، اشکال دیگر تروریسم، به‌صورت تروریسم زیست‌محیطی است، چنانکه عراق به‌واسطه حمله به چاه‌های نفتی کویت متهم به آن شد (آزمایش، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

تخریب محیط زیست یا تهدید به آن زمانی می‌تواند تروریسم نامیده شود که: ۱. اقدام یا تهدید نقض قوانین ملی یا بین‌المللی در زمینه اختلال در محیط در زمان صلح یا زمان جنگ است؛ ۲. عمل یا تهدید، ویژگی‌های بنیادین تروریسم را نشان می‌دهد (عمل یا تهدید به خشونت اهداف خاصی دارد و خشونت معطوف به هدف نمادین است. زمانی تخریب زیست‌محیطی، ترور زیست‌محیطی به‌حساب می‌آید که این دو معیار وجود داشته باشند (Schwartz, 1998: 438).

تروریسم زیست‌محیطی به هر اقدامی اطلاق می‌شود که با بهره‌گیری از مواد سمی و خطرناک، آسیب و تهدیدی را که نوعاً برای محیط زیست انسان، حیوانات و محیط طبیعی با هدف ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی از طریق هراس‌افکنی یا ایجاد وحشت فراهم کند (پورهاشمی، ۱۳۹۴: ۴) همان‌طور که در دایرة‌المعارف علوم جنایی مطرح شده، تروریسم تهدیدی کاملاً مستقیم علیه منافع اساسی ملت‌های متمدن شناخته شده (Gerard, 2004: 919)، از این‌رو از سال ۱۹۹۰ میلادی به بعد، تحولی در مفهوم تروریسم ایجاد شد و یکی از تأثیرات این تحول را می‌توان در قانونگذاری جزایی فرانسه ملاحظه کرد. مقنن فرانسوی در ادامه سیاست‌های حمایتی خود از منافع حیاتی و اساسی ملت فرانسه، به جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی اقدام کرد (Mayaud, 1997: 24). ماده ۱-۴۱۰ قانون مجازات فرانسه در مقام بیان منافع اساسی ملت، تأمین ثبات و تعادل در محیط زیست کشور را از منافع اساسی ملت فرانسه برشمرده است. قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲، اجرایشده در ۱۹۹۴ میلادی در مواد ۱-۴۲۱ تا ۷-۴۲۲ تروریسم، مصادیق آن و مجازات‌های آن را بیان کرد. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مواد ۱۶-۷۰۶ به بعد نیز تعقیب، تحقیق و دادرسی ویژه‌ای در اعمال تروریستی پیش‌بینی شده است، از این‌رو می‌توان در اینجا از افتراقی شدن

رسیدگی‌های جرائم تروریستی نیز سخن به میان آورد. قانون جزای فرانسه در ماده ۲-۴۲۱ اشعار می‌دارد: «وارد کردن عمدی ماده‌ای که سلامت انسان، حیوانات یا محیط طبیعی را به خطر می‌اندازد در هوا، خاک و لایه زیرین خاک، مواد غذایی یا عناصر مواد غذایی یا در آب‌ها از جمله قلمرو دریایی، در صورتی که در ارتباط با یک اقدام فردی یا جمعی و به هدف اخلال شدید در نظم عمومی از راه هراس‌افکنی یا ایجاد ترس صورت گیرد نیز یک عمل تروریستی محسوب می‌شود».

۲. تمایز تروریسم زیست محیطی از سایر گونه‌ها

۲.۱. اکوتروریسم

یک نوع مشابه با تروریسم زیست محیطی، اکوتروریسم یا تروریسم آزاد^۱ است. تروریسم آزاد به اقدامات تروریستی لقب داده شده که بدون حمایت یا وابستگی به سازمان‌های تروریستی توسط افراد یا گروه‌های کوچک با هدف بشردوستانه یا حمایت از محیط زیست انجام می‌گیرد (Kushner, 2003: 103).

اکوتروریسم اصطلاحی است که اغلب در کنار تروریسم زیست محیطی مطرح می‌شود و گاهی این دو اصطلاح به جای هم به کار می‌روند و مترادف هم انگاشته می‌شوند. هیچ تعریف پذیرفته شده جهانی برای اکوتروریسم وجود ندارد. اکوتروریسم معمولاً به عنوان اعمال تروریستی یا خشونت‌بار و خرابکارانه‌ای معرفی می‌شود که علیه اشخاص و اموال اشخاصی صورت می‌گیرد که دست به ترور زیست محیطی می‌زنند. در واقع اکوتروریسم‌ها گروهی افراط‌گرا هستند که داعیه حمایت از محیط زیست را دارند و در جهت مقابله با کسانی که محیط زیست را ابزاری برای ترور قرار می‌دهند، خود در نهایت دست به تخریب محیط زیست می‌زنند. تفکر اکوتروریسم بر این باور است که انسان نباید در طبیعت مداخله کند که با دقت بیشتر به این اشتباه مهم پی می‌بریم که فقط انسان است که می‌تواند این سیستم اکولوژیکی-انسانی را با درک بیشتری حفظ کند؛ اما پذیرش این باور از سوی اکوتروریسم‌ها که دارای عقایدی افراطی‌اند، سخت است. به این ترتیب اکوتروریسم‌ها نوعی ایدئولوژی خاص افراطی دارند، یعنی محیط‌زیست‌گرایان افراطی‌اند. در تروریسم زیست محیطی، محیط زیست به عنوان ابزاری جهت ترور مطرح است و در مقابل اکوتروریسم‌ها وجود دارند که همان محیط‌زیست‌گرایان افراطی‌اند.

۲.۲. بیوتروریسم

یکی از مفاهیم مشابه با تروریسم زیست محیطی، بیوتروریسم است. بیوتروریسم در واقع، به کارگیری میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا یا سموم توسط گروه‌های سیاسی یا افراط‌گرایان است تا بدین وسیله مرگ و بیماری در میان انسان، حیوانات و گیاهان را سبب شود، یعنی بیوتروریسم استفاده غیرقانونی از نیرو و خشونت علیه افراد و اموالشان و همچنین حیوانات است که برای یک دولت یا

افراد غیرنظامی در جهت دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی به کار می‌رود. استفاده از عوامل بیولوژیکی برای ایجاد آسیب یا مرگ‌ومیر، مفهوم تازه‌ای نیست و کشورها سال‌های زیادی است که با بیوتروریسم درگیرند. پتانسیل تخریبی اثر بیوتروریسم به عوامل زیادی از جمله نوع عامل، میزان انتشار، روش‌های انتشار، روش‌های انتشار و آمادگی جمعیت برای مقابله با آن بستگی دارد. تأثیر عوامل بیوتروریسم در سه گروه مطرح می‌شوند:

گروه A: مواردی که در گروه A مطرح می‌شوند، خود دربردارنده ادله‌ای هستند که نمایانگر این مهم‌اند که در نهایت، امنیت ملی هر کشور را به خطر می‌اندازند. این موارد و به عبارت دقیق‌تر نمونه‌های مطرح شده از سوی مرکز پیشگیری و کنترل بیماری‌ها در ایالات متحده^۱، آبله^۲، سیاه‌زخم^۳، طاعون^۴، بوتولیسم^۵، ابولا^۶ و... هستند.

گروه B: نمونه‌های مطرح شده در این گروه عبارت‌اند از باکتری کوکسیلا بورنتی^۷، عامل بیماری تب کیو، بروسلا^۸، رایسین^۹ و... .

این نمونه دارای خصیصه‌های زیر است:

الف) نسبت به نمونه‌های گروه A از قابلیت شیوع کمتری برخوردارند و النهایه نرخ مرگ‌ومیر کمتری را به خود اختصاص می‌دهند؛

ب) این نمونه‌ها با اینکه شیوع کمتری نسبت به نمونه‌های گروه A دارند، اما باید به وسیله تجهیزات مناسب در مراکز تشخیص و پیشگیری از بیماری کنترل شود، یعنی کنترل این دسته از بیماری‌ها نیازمند تجهیزات خاصی است.

گروه C: نمونه‌های این گروه عبارت‌اند از: هانتا ویروس^{۱۰}، ویروس نیپا^{۱۱}، تب زرد^{۱۲} و... . در این طبقه نمونه‌هایی طرح شده‌اند که آثار آن در آینده نمایان می‌شود. این ویروس‌ها هم به سبب تولید و انتشار آسان قابل دسترس‌ترند و نیز به دلیل تأثیر بالا و خطرناکی که بر سلامت انسان می‌گذارند، از این توانایی ویژه برخوردارند که نرخ مرگ‌ومیر را در سطح کلان و چشمگیر افزایش دهند، چراکه پاتوژن‌های مذکور از نوع ویروس‌هایی هستند که برای انتشار جمعی طراحی می‌شوند و جامعه مورد هدف گسترده‌ای را با انتشار وسیع و عمده خود مورد حمله قرار می‌دهند

(U.S. Department of Health And Human Services, 2000: 9).

1. U.S. DEPARTMENT OF HEALTH AND HUMAN SERVICES
2. Variola major (smallpox)
3. Bacillus anthracis (anthrax)
4. Yersinia pestis (plague)
5. Clostridium botulinum toxin (botulism)
6. Ebola hemorrhagic fever
7. Coxiella burnetii (Q fever)
8. Brucella species (brucellosis)
9. Ricin toxin
10. Hantaviruses
11. Nipah virus
12. Yellow fever

در عرصه بیوتروریسم می‌توان اعمال و فعالیت‌های را در چهار مبحث بیولوژیک، شیمیایی، احتراق مواد منفجره و هسته‌ای طبقه‌بندی کرد. این خطرهای ماهیت‌های متفاوت از یکدیگر دارد، چراکه خطرهای شیمیایی و هسته‌ای و احتراقی اغلب بدون معاینه‌ای نیز قابل مشاهده‌اند، اما سازماندهی امور مربوط به ایمنی و امنیت و امدادسانی و در ادامه امور درمانی آنان با مشکلاتی روبه‌رو خواهد بود. در این زمینه مطالعات علمی به‌عمل‌آمده نیز اساساً در چارچوب تحقیقات نظامی و نیز در چارچوب سازمان مقابله‌کننده علیه چنین خطرهایی روی داده است و این دست فعالیت‌ها نیز اساساً ماهیت ستادی و سازمانی داشته‌اند. پیشرفته‌ترین نمونه از کاربرد بیوتروریسم مربوط به اعضای فرقه آئوم در ژاپن است. این فرقه گونه‌های مختلفی از عامل‌های بیولوژیک و از جمله سم بوتولیک، باکتری‌های بیماری‌های سیاه‌زخم، وبا و تب Q^۱ را استعمال کرده‌اند. در آخر باید به کارآمدترین حمله تروریستی این فرقه یعنی استعمال گاز سارین در مترو اشاره کرد (Rapport de Mission Pr. D. Raoult sur le bioterrorisme, 2003: 26).

یک نوع مهم از بیوتروریسم، بیوتروریسم کشاورزی^۲ است که شامل استفاده از بیماری‌های حیوانی و گیاهی به‌منظور ایجاد آسیب و تخریب وسیع در بخش کشاورزی است که آسیب‌های اقتصادی، خطرهای انسانی و حتی ایجاد هراس در انسان را به‌دنبال خواهد داشت (متقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۶).

تأثیرات حمله بیولوژیک، علاوه بر اینکه سبب ایجاد رعب و وحشت و بروز بیماری‌ها می‌شود، از لحاظ زیست‌محیطی نیز می‌تواند آسیب‌هایی را بر انسان، حیوانات و گیاهان وارد آورد و سبب آلوده شدن منابع طبیعی مثل منابع آب شود. با بررسی عوامل بیوتروریسم می‌توان به این نتیجه رسید که بیوتروریسم در مواردی که بر محیط زیست تأثیر می‌گذارد، همانند جایی که منبع آب آلوده می‌شود، همان تروریسم زیست‌محیطی است. در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ بحث بیوتروریسم طرح شده است. بند «ب ۳» و بند «پ ۵» ماده ۱ از این قانون مقرر کرده است: تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک).

۳. ادله ضرورت جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی

از آنجا که جرم‌انگاری آخرین راه‌حل است (Peršak, 2007: 33)، از این رو باید در خصوص جرم‌انگاری این

1. Yellow fever

نخست آن را تب کشتارگاهی یا ریکتزبوز بورنت نیز نامیدند، بیماری‌ای است عفونی و مشترک که در حیوانات اهلی اغلب در گاوها و گوسفندان و بزها و حیوانات دیگر عفونتی بدون نشانی‌های مشخص ایجاد می‌کند، ولی همین که به انسان منتقل شد، موجب مرض حاد و گاهی خطرناک می‌شود که از مشخصات آن شروع سردرد ناگهانی و تب و ذات‌الریه غیرمشخص است. برای مطالعه بیشتر در خصوص این باکتری‌ها ر.ک:

http://www.cfsph.iastate.edu/FastFacts/pdfs/qfever_F.pdf

2. Agricultural Terrorism

قسم از تروریسم ادله استواری ارائه شود تا جرم‌انگاری این مهم را توجیه کند. در خصوص ضرورت جرم‌انگاری تروریسم و مصادیق نوین آن به یقین می‌توان گفت که چندین دلیلی که برای ضرورت جرم‌انگاری برشمرده‌اند (نوبهار، ۱۳۹۵: ۹۵) همچون اصل نیاز، اصل ارزش کیفری و... در جرم‌انگاری تروریسم و مصادیق نوین آن مشهود است و نه تنها کشور ما، بلکه جامعه بشری انتظار دارد تا ارزش‌های بنیادین و حق‌های اساسی آنها تضمین و خطرناک‌ترین رفتارها از سوی مقنن جرم‌انگاری شود. در خصوص تروریسم زیست‌محیطی نیز این نیاز دیده می‌شود و ادله خاصی نیز علاوه بر دلایل عام جرم‌انگاری ضرورت حمایت کیفری و جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی را آشکار می‌کند که به بررسی بیشتر این ادله می‌پردازیم.

۳.۱. اصل احتیاط مقتضی^۱

دولت‌ها در مقابل تروریست‌ها واجد حق و در قبال قربانیان تروریسم و جامعه بشریت، مکلف‌اند تا در پیشگیری و مقابله با تروریسم از هیچ تلاشی دریغ نکنند. اصل احتیاط مقتضی که در حقوق بین‌الملل به خوبی استقرار یافته، موجب این تعهد اثباتی برای دولت‌هاست (قهرمانی، ۱۳۹۶: ۶۱). توجه به اصول مطروحه حقوق بین‌الملل در حوزه محیط زیست از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چراکه آسیب‌ها و لطمات علیه محیط زیست به ندرت به داخل مرزهای ملی محدود می‌شود (دلماس مارتی، ۱۳۹۳: ۳۹۷). یکی از طرق مقابله با تروریسم زیست‌محیطی که نشان‌دهنده تلاش دولت برای مقابله با تروریسم است، جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی است که با پیشرفت فناوری مطرح شده است. با عنایت به اینکه یکی از مهم‌ترین حقوق بشری و بنیادین، دستیابی به محیط زیست سالم است، باید مورد حمایت کیفری همه‌جانبه قرار گیرد و این تکلیف دولت است تا حق‌های بنیادین بشری را با جرم‌انگاری و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری مورد حمایت قرار دهد. یکی از بایسته‌های حقوق کیفری محیط زیست، لزوم حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین و اساسی است. حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست زمانی صورت می‌پذیرد که جنبه‌های نوین نیز مورد جرم‌انگاری قرار گیرند و با ضمانت اجرای کیفری تضمین شوند.

مفاد این اصل، در سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در حوزه محیط زیست نیز در جهت پیشگیری و مقابله و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست مشهود است. براساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری برای نخستین بار در حوزه محیط زیست یک سند فرابخشی ارائه شده که مقام مجری این سیاست‌ها دولت است. در بند ۴ مقرر شده است که «پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط زیست و الزام آنان به جبران خسارت»، از نمونه‌های مدرن مخربان و آلوده‌کنندگان محیط زیست، تروریسم زیست‌محیطی است.

1. Due diligence

۲.۳. اقتضای سیاست جنایی مدرن و جرم‌انگاری حمایتی

جرم‌انگاری ممکن است برحسب اینکه هدف حمایت از جامعه در برابر اشکال جدید بزهکاری اغلب مرتبط با فناوری‌های نوین (سیاست جنایی مدرن‌سازی) یا با شناسایی حقوق جدید (جرم‌انگاری حمایتی) باشد، در چارچوب دو منطق یعنی سیاست جنایی مدرن و جرم‌انگاری حمایتی قرار گیرد (دلماس مارتی، ۱۳۹۳: ۳۸۴). جرم‌انگاری‌های حمایتی، جرم‌انگاری‌هایی هستند که در جهت تضمین حقوق بشری به منصفه ظهور رسیده‌اند. جرم‌انگاری‌های حمایتی با شناسایی حقوق جدیدی همچون حق بر محیط زیست سالم مطرح شده‌اند. حق بر محیط زیست سالم به دنبال اقتضائات زندگی مدرن در نسل سوم حقوق بشر مطرح شد که در واقع این حق را در زمره یکی از مصادیق حقوق جمعی و حقوق همبستگی معرفی کرده‌اند (Priour, 2003: 334).

در حقوق فرانسه نیز شناسایی این حق و جرم‌انگاری‌های حمایتی در جهت تضمین این حق اگرچه نسبت به سایر کشورها دیرهنگام بود (Huten, 2002: 15)، اما با تصویب منشور اساسی محیط زیست چهره حقوقی فرانسه متحول شد (Catherine, 2006: 19). لزوم جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی از یک سو به این سبب که از مصادیق نوین تروریسم است که در اثر پیشرفت تکنولوژی مطرح شده و از سوی دیگر، به این دلیل که حق بر محیط زیست سالم و برخورداری از امنیت زیست‌محیطی نیز به‌عنوان یک حق بشری مطرح است که باید تضمین شود، کاملاً امری محسوس است.

حقوق کیفری چه در بعد ماهوی و چه در بعد شکلی آن امروزه از کارکردهای سنتی خویش فاصله گرفته است و رفتارهایی را جرم‌انگاری می‌کند که بیشتر جنبه فنی و تخصصی دارند (پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۲۰). تروریسم زیست‌محیطی نیز فنی‌ترین و تخصصی‌ترین نماد جرم تروریستی است که لزوم جرم‌انگاری آن بیشتر از پیش احساس می‌شود.

۳.۳. قاعده فقهی ضرورت حفظ نظام و منع اختلال نظام

وجوب حفظ نظام جامعه از مسلمات فقه است، بنابراین شکی نیست که آنچه سبب برهم ریختن نظام زندگی می‌شود، ممنوع و حرام است و کارهایی که برای حفظ نظام جامعه ضرورت دارد، واجب است (باقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۶). بی‌شک یکی از اقداماتی که برای حفظ نظام جامعه ضرورت دارد، جرم‌انگاری این قسم از تروریسم است که اعتدال زمین را به هم می‌زند. برای مثال اگر مردم شهر باخبر شوند که منبع آب شهری با ماده‌ای سمی مسموم شده است، نگرانی و رعب و وحشت در میان آنها رواج پیدا می‌کند و بی‌نظمی و هرج‌ومرج شهر را فرا خواهد گرفت. عدم حمایت کیفری در این حوزه سبب می‌شود تا مخربان محیط زیست به آسانی و در راستای خلأ قانونی از چنگال قانون فرار کنند یا اینکه خود را تحت لوای عنوان مجرمانه خفیف‌تری قرار دهند و از تخفیف و تعلیق و سایر نهادهای ارفاقی بهره‌مند شوند و این نتیجه‌اش اختلال نظم و بی‌نظمی خواهد بود، چراکه هدف تروریسم اختلال در نظم اجتماع است.

۴. ۳. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر در میان قواعد فقهی، از قلمرو وسیعی در نظام قانونگذاری اسلام برخوردار است، چراکه کاربرد این قاعده ریشه در صدر اسلام دارد. در تعالیم دینی و اسلامی به ضرورت حفظ محیط زیست تأکید ویژه‌ای شده است، به‌گونه‌ای که رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «تحفظوا الارض فانها امکم: از زمین مراقبت کنید که مادر شما محسوب می‌شود» (تنکابنی، ۱۳۷۹: ۶۶۲). هر گونه ضرر رساندن به محیط زیست نیز امری مذموم دانسته شده است تا آنجایی که امام علی (ع) فرموده‌اند: رسول خدا از ریختن سم حتی در سرزمین‌های مشرکین نهی فرموده‌اند (کلینی، ۱۳۹۳: ج ۵: ۲۸).

در جرائم علیه محیط زیست نیز امروزه، ضرر در سطوح منطقه‌ای، جهانی و فراملی قابل فرض است (وایت، ۱۳۹۵: ۵۰). در تروریسم زیست‌محیطی نیز سطوح گسترده ضرر سبب می‌شود که قربانیان بیشتری در خصوص این جرم قابل تصور باشند. البته با توجه به اینکه شخص در تروریسم زیست‌محیطی قصد ارباب و ترور و وحشت را نیز در سر می‌پروراند، علاوه بر ضررهای جانی و مالی ضررهای روحی و روانی نیز در این جرم قابل فرض است. شخصی که منبع آب شهری را آلوده می‌کند، بیش از آنکه قربانی جانی داشته باشد، اشخاص را ترور روانی می‌کند. از این رو با استناد به قاعده لاضرر، جرم‌انگاری این رفتار امری توجیه‌پذیر و ضروری است.

۴. بررسی عناصر تشکیل‌دهنده تروریسم زیست‌محیطی

در این بخش ابتدا عناصر قانونی، مادی و روانی تروریسم زیست‌محیطی و سپس مجازات‌های این جرم بررسی می‌شود.

۴.۱. عنصر قانونی جرم

عدم ارائه تعریفی از تروریسم موجب دشوار شدن فعالیت سرکوبگرانه علیه آن در عرصه بین‌المللی می‌شود. برای مثال در کنوانسیون‌های بین‌المللی تنها به ذکر مورد به مورد عناوین جرائم پرداخته می‌شود و این شیوه از جرم‌انگاری در درون خود خلأهای بالقوه‌ای دارد (Poulain, 2001: 154). در همین زمینه نظام حقوقی فرانسه، مقنن فرانسوی در قالب مواد ۱-۴۲۱ تا ۷-۴۲۲ قانون مجازات به بحث «اعمال تروریستی» پرداخته و در ماده ۱-۴۲۱، رفتارهای تروریستی را برشمرده است، اما آنچه در اینجا قابل بحث و بررسی و توجه مضاعف است، عبارت است از اینکه مقنن فرانسوی در قالب ماده ۲-۴۲۱، جرائم زیست‌محیطی مطروحه در این ماده را تحت شرایطی در حکم تروریسم قلمداد کرده که این یکی از ابتکارات قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۹۹۲ اجرایی ۱۹۹۴ است و در نوع خود درخور توجه است، چراکه امروزه اغلب کشورها همانند کشور خودمان، تعریفی از تروریسم و مصادیق مهم آن را در قوانین کیفری خود ارائه نداده‌اند.

ماده ۲-۴۲۱ قانون مذکور در تعریف تروریسم زیست‌محیطی بیان می‌دارد: «وارد کردن عمدی ماده‌ای که سلامت انسان، حیوانات یا محیط طبیعی را به خطر می‌اندازد در هوا، خاک و لایه زیرین

خاک، مواد غذایی یا عناصر مواد غذایی یا در آب‌ها از جمله قلمرو دریایی، در صورتی که در ارتباط با یک اقدام فردی یا جمعی و به هدف اخلال شدید در نظم عمومی از راه هراس‌افکنی یا ایجاد ترس صورت گیرد نیز یک عمل تروریستی محسوب می‌شود». برخی مترجمان در ترجمه این ماده از لفظ زمین و زیرزمین استفاده کرده‌اند که امری نادرست است، چراکه در این مورد باید با در نظر گرفتن رویکردی تخصصی نسبت به الفاظ مطروحه در قانون، نسبت به ترجمه‌ای اقدام کرد که در راستای معانی اصلی و تخصصی محیط زیست باشد. از این رو منظور از Le sol همان خاک و Le sous-sol در لایه‌های خاک است، چراکه از لحاظ خاک‌شناسی مواد در افق B لایه‌های خاک تجمع می‌کند (U.S. Dept of Agriculture, 1993:16). در واقع منظور مقنن از مطرح کردن این دو لفظ تخصصی این بوده است که آسیبی را که به گیاهان و درختان و... وارد می‌شود، ترسیم کند. در حقوق ایران، تاکنون تروریسم به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده و تروریست زیست‌محیطی نیز به قیاس اولویت جرم‌انگاری نشده است. جرم زیست‌محیطی یا «جرم-بوم» به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که دارای ارتباط مستقیم با ملاحظات زیست‌محیطی باشد (وایت ۱۳۹۵: ۳۸). عنصر قانونی جرم زیست‌محیطی در حقوق ایران، قوانین و مقرراتی هستند که در آنها، فعل یا ترک فعل موجب ایراد صدمه و آسیب به محیط زیست مشخص شده است و برای مرتکب یا مرتکبان نیز حسب مورد مجازات تعیین شده است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۹۱).

در نظام حقوقی ایران اگر به دنبال مواد مشابهی باشیم که بتوان گفت از لحاظ مفهومی همان تروریسم زیست‌محیطی است، ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد».

یکی دیگر از موادی که برخی از عناصر مادی تروریسم زیست‌محیطی در آن مطرح شده، ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ است که اشعار می‌دارد: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس‌آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع است و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». در خصوص تحلیل این ماده باید گفت که در این ماده فقط برخی از عناصر مادی تروریسم زیست‌محیطی-بیوتروریسم همچون آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده مطرح شده است، اما به دلیل اینکه مقنن از هدف و انگیزه خاص تروریسم زیست‌محیطی که همان اخلال شدید در نظم عمومی است، سخن نگفته است، فلذا این

ماده مشابه تروریسم زیست‌محیطی در حقوق ایران تلقی نشده و فقط وجه تشابه آن با تروریسم زیست‌محیطی از این جهت است که به ذکر برخی از عناصر مادی تروریست زیست‌محیطی پرداخته است و در اصل یک جرم زیست‌محیطی محسوب می‌شود، چون قصد اخلال شدید در نظم عمومی را دارا نیست.

در خصوص مبارزه با تأمین منابع مالی تروریسم در حقوق فرانسه در ماده ۲-۲-۴۲۱ الحاقی به موجب قانون ۱۵ نوامبر ۲۰۰۱ میلادی اقدام به اعطای کمک‌های مالی به یک گروه تروریستی از جمله تروریسم زیست‌محیطی نیز رفتاری تروریستی قلمداد شده است و نکته بسیار مهم در این ماده عبارت است از اینکه صرف کمک مالی کردن به گروه تروریستی خود یک رفتار تروریستی است و لازم نیست که آن عمل تروریستی اتفاق بیفتد. مقنن مشاوریه دادن به گروه تروریستی را به موجب ماده ۲-۲-۴۲۱ نیز یک رفتار تروریستی به‌شمار آورده است.

در حقوق ایران، همان‌طور که اشاره کردیم، تاکنون تروریسم به‌صورت مستقل جرم‌انگاری نشده، اما قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان در ۱۳۹۴ رسیده است و این امر، بیانگر سیاست جنایی سرگردان ماست، درحالی‌که هنوز در خصوص خود تروریسم قانونی نداریم، اما قانون مبارزه با تأمین منابع مالی آن را داریم. مشکل بیشتر خود را در جایی نشان می‌دهد که مقنن درحالی‌که تعریفی از تروریسم زیست‌محیطی ارائه نداده است، اما در بند «ب۲» ماده ۱ این قانون «ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آب‌ها و آتش زدن جنگل‌ها» را نام برده که در واقع همان مفهوم تروریسم زیست‌محیطی است. یا در بند «ب۳» ماده ۱ همین قانون «تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک)» را مطرح کرده که در واقع همان بیوتروریسم است. در بند «پ۵» ماده ۱ نیز عبارت اخیر را به‌کار برده است. تفاوت بند «ب» با «پ» در اینجا است که در بند «ب»، مرتکب این عمل را با انگیزه خاصی که در بند «الف» همین ماده مطرح شده، انجام می‌دهد، اما در بند «پ»، انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله اهمیتی ندارد. یکی از انتقاداتی که می‌توان به این قانون وارد کرد عبارت است از اینکه مقنن در بند «ب» هم به مفهوم تروریسم زیست‌محیطی و هم به مفهوم بیوتروریسم در دو بند جداگانه توجه داشته است، درحالی‌که در بند «پ»، فقط در یک بند به بیوتروریسم اشاره کرده است، درحالی‌که باید به تروریسم زیست‌محیطی نیز اشاره می‌شد. از این‌رو این نکات همه بیانگر این مهم هستند که قانونگذار در دو بند ماده ۱ تروریسم زیست‌محیطی را از بیوتروریسم جدا کرده و در بند دیگری هر دو را یکی انگاشته است.

۲.۴. عنصر مادی جرم

۲.۴.۱. رفتار فیزیکی

همان‌گونه که اشاره کردیم یکی از تأثیرات بیوتروریسم، اثرگذاری مخرب آن به محیط زیست

طبیعی و انسانی است که در واقع همان «ترور بیولوژیک» نام می‌گیرد، از این رو بیوتروریسم در اینجا در مواردی که بر محیط زیست تأثیر می‌گذارد، در واقع نوعی ترور زیست‌محیطی محسوب می‌شود. مثلاً اگر شخص الف، به صورت عمدی، ماده‌ای را وارد آب‌ها از جمله قلمرو دریایی کند و هدفش اختلال شدید در نظم عمومی از راه هراس‌افکنی یا ایجاد ترس باشد، این همان بیوتروریسم است که از جهت تأثیرگذاری مخرب بر محیط زیست ترور زیست‌محیطی محسوب می‌شود. همچنین مقنن با ذکر لفظ ماده از آن جهت که این کلمه دارای گستردگی معنایی است، بیوتروریسم را نیز مترادف تروریسم زیست‌محیطی به حساب آورده است. البته این مهم را نیز باید مطرح کنیم که مقنن فرانسوی قبل از تصویب قانون مجازات ۱۹۹۲ میلادی، در مواد ۱ و ۴ قانون شماره ۴۶۷-۷۲ مصوب ۹ ژوئن ۱۹۷۲ میلادی، طراحی، ساخت و تولید، نگهداری، ذخیره‌سازی، تملک و تخریب سلاح‌های بیولوژیکی یا سمی را ممنوع ساخته بود، اما یک عمل تروریستی محسوب نمی‌شد که با تصویب قانون مجازات جدید فرانسه در سال ۱۹۹۲، قانونگذار در بند ۴ ماده ۱-۴۲۱ این مورد را نیز یک عمل تروریستی به حساب آورده است. در نظام حقوقی فرانسه، رفتار فیزیکی جرم تروریسم زیست‌محیطی تنها در قالب فعل مطرح شده است. قانونگذار فرانسه با پیش‌بینی این ماده در واقع تفکیک مناسبی را برای جرم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی ارائه داده است. مقنن فرانسوی با آوردن عبارت «هدف اختلال شدید در نظم عمومی» که فی‌نفسه عنصر اصلی یک جرم تروریستی است، تروریسم زیست‌محیطی را از جرائم زیست‌محیطی دیگر همچون آلوده کردن آب، هوا و... تفکیک کرده است.

۲.۲.۴. شرایط و اوضاع احوال لازم برای تحقق جرم

در نظام حقوقی فرانسه، رکن مادی جرم تروریسم زیست‌محیطی، ایراد لطمات زیست‌محیطی وسیع است که قانونگذار به قصد پیشگیری این ماده را طرح کرده است. به همین دلیل هر عملی که با بهره‌گیری از مواد خطرناک، آسیب و خطری شدید را نوعاً برای انسان، حیوانات و محیط طبیعی فراهم سازد، مشمول بیان قانونگذار خواهد شد (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۷۹).

مقنن ایرانی برخی از مصادیق تروریسم را در ذیل عنوان افساد فی‌الارض مطرح کرده است. در واقع، مقنن ایرانی از دیدگاه تفکیک محاربه از افساد فی‌الارض تبعیت کرده و افساد فی‌الارض را به معنای مطلق تلاش برای ایجاد فساد در نظر گرفته است.

رفتار مجرمانه تروریسم زیست‌محیطی را جزء سه دسته از مصادیق مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی دانست.

الف) جنایات علیه تمامیت جسمانی افراد؛

ب) پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک؛

ج) احراق و تخریب.

براساس این ماده، برخی از مصادیق تروریسم زیست‌محیطی در صورتی که با شرایط این ماده انجام گیرند، از مصادیق افساد فی‌الارض دانسته شده است، بدون اینکه تعریفی مشخص از تروریسم

زیست‌محیطی ارائه دهد و همچنین قانونگذار باید ابتدا توسل به مواد سمی و میکروبی و خطرناک را جرم‌انگاری کرده باشد، چراکه هر یک از مصادیق آمده در این ماده فی‌نفسه جرم تعزیری هستند. ماده ۶۸۸ نیز یک جرم زیست‌محیطی محسوب می‌شود و نمی‌تواند فقدان جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی را حل کند، زیرا این ماده به‌دلیل فقدان رویکردی تروریستی، یک جرم زیست‌محیطی محسوب می‌شود، البته شایان ذکر است که تروریسم زیست‌محیطی را نمی‌توان ذیل محاربه طرح کرد، چراکه رفتار مجرمانه محارب، دست بردن به اسلحه یا کشیدن سلاح بر روی مردم است، درحالی‌که در تروریسم زیست‌محیطی دست بردن به سلاح در معنایی که در محاربه ذکر می‌شود، مشهود نیست.

قید گستردگی در خصوص پخش مواد میکروبی همان‌طور که در قسمت مفهوم بیوتروریسم بیان شد، در بیوتروریسم، مواد میکروبی به‌راحتی شیوع می‌یابد و نیازی به تکرار یا تعدد جرم ندارد، اما باز هم این ماده دارای ابهام است. تروریسم زیست‌محیطی که در حال حاضر در نظام حقوقی ما به‌صورت مصداقی در ذیل افساد فی‌الارض آمده است، لزوماً منجر به قتل نمی‌شود، اما اگر به قتل منجر شد، علاوه بر مجازات قتل عمدی که حسب مورد می‌تواند قصاص یا تعزیر باشد، رفتار مرتکب شامل حد افساد فی‌الارض نیز می‌تواند قرار گیرد که در این صورت دادرسی باید مواد ۱۳۳ و ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص تعدد جرم را رعایت کند.

در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ایران عبارت «پخش مواد سمی و میکروبی» در اصل بیانگر مفهوم بیوتروریسم است، البته اگر به آسیب محیط زیست بینجامد، تروریسم زیست‌محیطی نیز از لحاظ مفهومی محسوب می‌شود و عبارت خطرناک که قانونگذار مطرح کرده، از لحاظ مفهوم‌شناسی و تخصصی بی‌معناست، چراکه مواد سمی و میکروبی خود جز مواد خطرناک‌اند. از این‌رو بهتر بود قانونگذار عبارت «پخش مواد خطرناکی همچون سمی، میکروبی و...» را مطرح می‌کرد. البته این نکته را نیز متذکر شویم که مواد خطرناک از وسعت و قلمرو گسترده‌ای برخوردار است، فلذا برای آگاهی شهروندان که مخاطبان اصلی قانون هستند، باید مواد خطرناک موردنظر، فهرست شده باشد تا همگان از اینکه کدام مواد خطرناک‌اند، آگاهی لازم را داشته باشند، چراکه جرم موضوع این ماده در کشور ما یک جرم حدی محسوب شده و در صورت احراز شرایط ذکر شده در ماده، مفسد فی‌الارض شناخته شده و به اعدام محکوم می‌شود، حتی اگر شرایط ماده وجود نداشته باشد، یعنی اگر دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایراد خسارت عمده و... را احراز نکند با استناد به تبصره این ماده با توجه به نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود. از جمله مهم‌ترین طبقه‌بندی‌هایی که در سطح دنیا از مواد خطرناک مطرح‌اند، فهرست چهارگانه^۱ US EPA، یعنی آژانس حفاظت از محیط زیست ایالات متحده آمریکا که یک سازمان دولتی در آمریکا است که از سال ۱۹۷۰ تاکنون، مسئولیت کنترل و توسعه قوانین و سیاست‌های رسمی دولت در محافظت از محیط زیست در ایالات متحده آمریکا را

۱. آژانس حفاظت از محیط زیست ایالات متحده آمریکا United States Environmental Protection Agency

داشته است؛ و UNEP^۱ و طبقه‌بندی کنوانسیون بازل^۲ است که براساس میزان خطرناکی مشخص شده و مواد سمی نیز یکی از این مواد خطرناک معرفی شده است (عبدلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸). صرف‌نظر از سایر موارد مطروحه در این ماده، اگر کسی مواد خطرناکی را پخش کند و هدفش اخلال شدید در نظم عمومی باشد، طبق مفاهیمی که مرور کردیم، بیوتروریسم و تروریسم زیست‌محیطی محسوب می‌شود، از این رو سختگیری قانونگذار در این زمینه قابل سرزنش و نکوهش نیست، چراکه در عمل چنین فردی از حالت خطرناکی بالایی برخوردار است و از لحاظ مبانی حقوقی و جرم‌شناختی نیز امروزه در بیشتر جوامع با این مرتکبان، رفتار مبتنی بر رویکرد تسامح صفر را در پیش گرفته‌اند و نظام حقوقی ما نیز پیرو جهانی شدن حقوق کیفری، خود را با برخی از معیارها همسو کرده که عملاً در این مورد قابل مشاهده است.

مقنن ایرانی از این جهت که عمل ارتكابی در جرم افساد فی‌الارض، اعتدال زمین را به‌عنوان زیستگاه انسان مختل کرده و آن را برای سکونت انسان نامناسب می‌کند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶: ۵۸)، مصادیق تروریسم زیست‌محیطی را در ذیل افساد فی‌الارض قرار داده است؛ اما به‌نظر می‌رسد با توجه به وضعیت موجود در نظام حقوقی ما که مصادیق تروریسم زیست‌محیطی در قالب افساد فی‌الارض جای داده شده و ابهام‌گویی‌های فراوانی دارد، رویکردی دشمن‌مدار در خصوص مجرم به خود گرفته است و مفاهیم گسترده، اخلال شدید و... آزادی شهروندان را در کنار امنیت آنها مورد خدشه قرار می‌دهد، چراکه با ابهام‌گویی، بسیاری از شهروندان ممکن است مشمول مجازات‌های ثابت حدی قرار گیرند و آزادی‌های ایشان پایمال شود. شفاف‌سازی در این زمینه سبب می‌شود که جرم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی به‌خوبی تفکیک شود و یک جرم فی‌نفسه تعزیری به‌سبب ابهام‌گویی‌ها مشمول حد قرار نگیرد. حقوقدانان فرانسوی نیز استفاده مقنن از الفاظ مبهم را ناقض اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها دانسته‌اند (Pradel et Danti, 1994: 763; Desportes et Le gunehec, 2008: 125)

مفهوم تروریسم زیست‌محیطی تا حدودی، قابلیت انطباق با عناوین مختلف در فقه و در نظام حقوقی ایران را دارد، اما با توجه به جدید بودن این مفهوم باید آن را همانند کشور فرانسه به‌صورت مستقل جرم‌انگاری کرد و یک سیاست جنایی ویژه در مورد آن اتخاذ نمود.

نتیجه اینکه، بزه مورد بحث در جرم تروریسم زیست‌محیطی نظام حقوقی فرانسه در زمره جرائم مطلق قرار می‌گیرد، از این رو مقنن به وارد کردن عمدی این ماده با هدف اخلال شدید در نظم عمومی توجه داشته است. این امر هم خود ناشی از دو علت اصلی و محوری است: اول اینکه، جرم تروریسم زیست‌محیطی به نقض شدید حق بر محیط زیست سالم منجر می‌شود، از این رو باید با هر گونه اقدامات خطرناکی که می‌تواند به آسیب محیط زیست منجر شود، مقابله و به‌اصطلاح پیشدستی کرد. در سطح تقنینی در فرانسه برای نخستین بار، قانون دوم فوریه ۱۹۹۵ مربوط به

۱. برنامه زیست‌محیطی سازمان ملل متحد (United Nations Environmental Programme)

2. Basel Convention

تقویت حمایت از محیط زیست معروف به قانون بارنیه^۱، اقدام به شناسایی حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری کرد. در این قانون، از محیط زیست تحت عنوان میراث مشترک بشری یاد شده و به منفعت عمومی دانستن این حق نیز اشاره شده است (Lamarque, 1998). دوم اینکه، مقنن در مطلق انگاشتن این جرم، ابزار را به‌عنوان پیامد زیانبار در نظر گرفته است تا از وقوع این دسته از جرائم پیشگیری به‌عمل آورد؛ یعنی اینکه شخصی که قصد دارد ماده‌ای خطرناک را با هدف اخلال شدید در نظم عمومی وارد کند، همین میزان کافی است تا مورد سرزنش کیفری قرار گیرد و در اینجا نیازمند نتیجه خاصی نیستیم، البته اگر به نتیجه مثل کشته شدن انسانی منجر شود، بی‌شک مجازات وی تشدید خواهد شد که بررسی خواهیم کرد.

در حقوق ایران اگر ماده ۲۸۶ ماده قانون مجازات اسلامی را در جایی که مقنن عبارت (پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک) را مطرح می‌کند، همان مفهوم تروریسم زیست‌محیطی به‌حساب آوریم، در صورتی پخش این مواد، جرم افساد فی‌الارض تلقی خواهد شد که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی شود. در واقع در حقوق ایران پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک که از لحاظ مفهومی همان تروریسم زیست‌محیطی است، مقید به نتیجه مذکور است، درحالی‌که در نظام حقوقی فرانسه که جرم تروریسم زیست‌محیطی را به‌عنوان یک جرم مستقل مطرح کرده است، مقید به هیچ نتیجه‌ای نیست.

۳.۴. رکن روانی جرم

در نظام حقوقی فرانسه جرم تروریسم زیست‌محیطی همان‌گونه که در ماده ۲-۴۲۱ آمده، یک جرم عمدی است و سوءنیت خاص این جرم، ایجاد رعب و وحشت شدید در نظم عمومی است. در نظام حقوقی ایران در خصوص ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در خصوص جرم افساد فی‌الارض، برای تحقق این جرم لازم نیست که قصد مستقیم احراز شود، بلکه قصد تبعی یا غیرمستقیم کفایت می‌کند. مقنن در تبصره این ماده با آوردن عبارت «علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌گرفته» به این مهم اشاره کرده است. در رکن روانی جرم، مقنن برای مفسد فی‌الارض ضوابط ذهنی و عینی را مدنظر قرار داده است؛ یعنی هر گاه یکی از نتایج مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی بارز شود، اما شخص قصد افساد را نداشته باشد، جرم افساد محقق نمی‌شود و صرف قصد حصول نیز کافی نیست، بلکه باید یکی از نتایج نیز محقق شود.

1. Loi n° 95-101 du 2 février 1995 relative au renforcement de la protection de l'environnement, (dite loi Barnier)

۴.۴. مجازات

۴.۴.۱. مجازات‌های اصلی

در حقوق فرانسه، به موجب ماده ۴-۴۲۱ اصلاحی ۳ ژوئن ۲۰۰۶، مجازات تروریسم زیست‌محیطی ۲۰ سال حبس و ۳۵۰ هزار یورو جزای نقدی است. البته اگر این رفتار به مرگ یک یا چند شخص منجر گردد، مستوجب حبس ابد و ۷۵۰ هزار یورو جزای نقدی است. ماده ۵-۴۲۱ اصلاحی به موجب قانون ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۶ در خصوص کسانی که معاونت در جرائم تروریستی کرده و نیز کسانی که تروریسم را تأمین مالی می‌کنند، ۱۰ سال حبس ساده و ۲۲۵ هزار یورو جزای نقدی در نظر گرفته است. در خصوص کسانی که رهبری یا سازماندهی گروه تروریستی را عهده‌دارند همین مجازات صادق است. ماده ۳-۲-۴۲۲ اصلاحی به موجب قانون ۸ اوت ۲۰۱۶، کسی که با اشخاص گروه‌های تروریستی در ارتباط بوده، باید منابع مالی خود را توجیه کند، در غیر این صورت مستوجب ۷ سال حبس ساده و ۱۰۰ هزار یورو جزای نقدی است. در واقع در اینجا قانونگذار اماره مجرمیت را به جای اصل برائت در خصوص این شخص در نظر گرفته که این جلوه‌ای دیگر از سیاست کیفری تسامح صفر است. در اینجا باید به این نکته مهم اشاره کنیم که در نظام حقوقی فرانسه یکی از اصول حقوق محیط زیست، اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز^۱ است. به موجب بند ۳ ماده ۱-۱۱۰ کد محیط زیست فرانسه (اصلاحی به موجب قانون مصوب ۲۷ فوریه ۲۰۰۲) تروریسم زیست‌محیطی علاوه بر اینکه به مجازات‌های اصلی و تکمیلی محکوم می‌شود. باید مطابق این اصل که هم در جرائم زیست‌محیطی و هم در تروریسم زیست‌محیطی حاکم است، هزینه‌های ناشی از اقدامات مربوط به جلوگیری و کاهش آلودگی و اقدام علیه محیط زیست را جبران کند (مشهدی، ۱۳۹۱: ۳۲).

در حقوق ایران، از آنجا که تروریسم زیست‌محیطی جرم‌انگاری نشده و مشابه آن فقط ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است و مرتکب به اعدام محکوم می‌شود، از این رو به بررسی مجازات‌های اصلی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم می‌پردازیم. قانونگذار در ماده ۲ این قانون مقرر داشته که: «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی‌الارض تلقی شود مرتکب به مجازات آن محکوم می‌شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال موضوع ماده ۱ این قانون به نفع دولت، به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین‌شده محکوم می‌شود». البته ناگفته نماند که مقنن به موجب ماده ۴ این قانون، مجازات اشخاص حقوقی را به قانون مجازات اسلامی ارجاع داده است. قانونگذار در ماده ۷ سردستگی و سازماندهی را مطرح کرده که از علل مشدده جرم محسوب می‌شوند و مرتکب مشمول ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی است.

۴.۴.۲. مجازات‌های تکمیلی اجباری

در حقوق فرانسه، مجازات‌های تکمیلی در جرم تروریسم خود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) مجازات‌های تکمیلی اجباری برای اشخاص حقیقی: مقنن به موجب ماده ۳-۴۲۲ قانون مجازات، مجازات‌های تکمیلی را برای اشخاص حقیقی تعیین کرده است. ماده اشعار می‌دارد: «اشخاص حقیقی بزهکار به یکی از جرائم تروریستی همچنین به کیفرهای تکمیلی زیر محکوم می‌شوند: ۱. ممنوعیت از حقوق شهروندی براساس شیوه‌های پیش‌بینی‌شده به موجب ماده ۲۶-۱۳۱. حداکثر مدت زمان ممنوعیت در مورد جنایات تا ۱۵ سال و در صورت ارتکاب جنحه ۱۰ سال است. ۲. ممنوعیت از تصدی یک شغل مرتبط با خدمات عمومی یا یک فعالیت حرفه‌ای یا اجتماعی که در اجرا یا به‌خاطر اجرای آن جرم ارتکاب‌یافته براساس شیوه‌های پیش‌بینی‌شده به موجب ماده ۲۷-۱۳۱. حداکثر مدت زمان ممنوعیت در موارد جنایت تا ۱۵ سال و در جنحه تا ۱۰ سال افزایش می‌یابد. ۳. ممنوعیت از اقامت براساس شیوه‌های پیش‌بینی‌شده به موجب ماده ۳۱-۱۳۱. حداکثر مدت زمان ممنوعیت در موارد جنایت تا ۱۵ سال و در جنحه تا ۱۰ سال افزایش می‌یابد».

ب) مجازات‌های تکمیلی اجباری برای اشخاص حقوقی: مقنن به موجب ماده ۵-۴۲۲ قانون مجازات، مجازات‌های تکمیلی را برای اشخاص حقوقی تعیین کرده است. ماده اشعار می‌دارد: «کیفرهای تکمیلی اشخاص حقوقی عبارت‌اند از: ۱. جزای نقدی براساس شیوه‌های پیش‌بینی‌شده به موجب ماده ۲۸-۱۳۱، ۲. کیفرهای ذکرشده در ماده ۲۹-۱۳۱». البته شایان ذکر است که در حقوق فرانسه به موجب ماده ۲-۱۲۱، دولت دارای مسئولیت کیفری نیست. اما در حقوق ایران به موجب تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، مجازات نمی‌شوند و مسئولیت کیفری ندارند، از این رو دولت در موارد اعمال تصدی دارای مسئولیت کیفری است، درحالی‌که در قوانین کشورهای مختلف از جمله فرانسه مسئولیت کیفری دولت مطلقاً مورد پذیرش قرار نگرفته است.

ج) مجازات‌های تکمیلی اجباری مشترک: مقنن به موجب ماده ۶-۴۲۲، مجازات تکمیلی اجباری را هم برای اشخاص حقیقی و هم برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است. ماده مقرر می‌دارد: «اشخاص حقیقی یا حقوقی بزهکار به‌خاطر یکی از رفتارهای تروریستی همچنین به کیفر تکمیلی مصادره همه یا بخشی از اموالشان خواه با ماهیت منقول یا غیرمنقول یا مشاع یا مفروز، محکوم می‌شوند». شایان ذکر است که بگوییم که مقنن فرانسه در جهت حمایت از بزه‌دیده^۱ به موجب ماده ۷-۴۲۲ اموال به‌دست‌آمده از تحمیل مجازات‌های مالی به تروریسم‌ها را به‌عنوان منبع مالی در جهت حمایت از بزه‌دیدگان رفتارهای تروریستی و دیگر جرائم اختصاص داده است. در حقوق ایران نیز، مقنن فقط در خصوص تأمین‌کنندگان منابع مالی تروریسم مقرر قانونی داشته و به موجب ماده ۶ این قانون، دادگاه را مکلف کرده است که تأمین‌کنندگان مالی تروریسم را

1. Protéger la victime

علاوه بر مجازات‌های اصلی، حداکثر به دو مورد از مجازات تکمیلی محرومیت از حقوق اجتماعی مطابق قانون مجازات اسلامی، محکوم کند.

۵.۴. معافیت از کیفر و تخفیف

در حقوق فرانسه، مقنن در ماده ۱-۴۲۲، معافیت از کیفر را در جرائم تروریستی پیش‌بینی کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس که شروع به ارتکاب یکی از رفتارهای تروریستی نموده اگر مقام اداری یا قضایی را آگاه بسازد به‌گونه‌ای که این امر فرصت جلوگیری از ارتکاب جرم و در صورت مقتضی شناسایی دیگر بزهکاران را بدهد از مجازات معاف می‌شود». همچنین در ماده ۲-۴۲۲ بیان داشته است: «کیفر سلب آزادی تحمیلی به مباشر یا معاون یکی از رفتارهای تروریستی، در صورتی که وی مقامات اداری یا قضایی را آگاه سازد، به‌گونه‌ای که این امر اجازه متوقف ساختن رفتارهای مجرمانه را بدهد یا موجب جلوگیری از آن شود تا جرم موجب مرگ انسانی یا نقص دائمی وی نگردد و در صورت مقتضی به شناسایی دیگر مقصران بینجامد به نصف تقلیل می‌یابد. هنگامی که کیفر تحمیلی حبس ابد است مجازات به ۲۰ سال حبس افزایش می‌یابد».

در حقوق ایران نیز معافیت از کیفر یا تخفیف در خصوص اشخاصی که تروریست‌ها را تأمین مالی می‌کنند به موجب ماده ۸ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم پیش‌بینی شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر شخصی که داخل گروه‌های حامی مالی تروریسم باشد و قبل از تعقیب، همکاری مؤثر در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیای حاصله از جرم یا به‌کاررفته برای ارتکاب آن نماید از مجازات معاف می‌شود و چنانچه پس از شروع به تعقیب با مأموران دولتی همکاری مؤثر نماید، از جهات مخففه محسوب و مطابق مقررات مربوط مجازات وی تخفیف می‌یابد». البته در خصوص ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان یکی از مصادیق مشابه تروریسم زیست‌محیطی که تحت عنوان افساد فی‌الارض قلمداد شده است، اگر شخصی با پخش مواد سمی و خطرناک و سایر شرایط مطروحه در ماده مذکور به‌عنوان مفسد فی‌الارض شناخته شود، در این صورت با استناد به ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی تنها در صورتی حد از او ساقط می‌شود که قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود.

نتیجه

تروریسم، امروزه، در رأس دغدغه‌های هر نظام حقوقی است، به‌گونه‌ای که بیشتر کشورها با اینکه به تعریفی جامع و مانع از این جرم دست نیافته‌اند، اما به مبارزه خود علیه این پدیده شوم ادامه می‌دهند. یکی از نظام‌های حقوقی که توانسته در خصوص تروریسم در قوانین کیفری خود قلمفرسایی کند، فرانسه است. اهمیت مبارزه و مقابله با تروریسم به‌عنوان یک پدیده جهانی از یک سو و جلوگیری از آسیب‌های شدید به محیط زیست از سوی دیگر، قانونگذار فرانسوی را بر آن داشته که در قانون مجازات جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۲ میلادی اجرایی ۱۹۹۴، به تعریف یکی از مهم‌ترین انواع تروریست به نام تروریسم زیست‌محیطی مبادرت ورزد که این یکی از ابتکارات قانون

مجازات فرانسه است. در واقع، قانونگذار فرانسه با وضع ماده ۲-۴۲۱ بر حق بر محیط زیست سالم اشاره صریحی داشته و برای نخستین بار یک تفکیک مناسبی را از جرم زیست‌محیطی با تروریسم زیست‌محیطی ارائه داده است، آنچه هنوز هم در نظام حقوقی ما مغفول مانده و این تفکیک به‌خوبی ارائه نشده است.

جرائم زیست‌محیطی امروزه به‌صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و با توجه به خصیصه‌های این دسته از جرائم، همچون حالت خطرناکی مجرمان زیست‌محیطی، مطرح بودن ضرر در سطوح ملی، منطقه‌ای و فراملی، می‌توانند در قالب تروریسم نیز مطرح شوند. یکی از بایسته‌های حقوق کیفری محیط زیست عبارت است از اینکه یک حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست به‌عنوان میراث مشترک بشری صورت گیرد. یکی از جلوه‌های حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست، ارائه تفکیکی مناسب درباره جرم زیست‌محیطی با تروریسم زیست‌محیطی است.

در حقوق ایران جرم مستقلی با عنوان تروریسم زیست‌محیطی وجود ندارد، اما در قوانین متعدد جلوه‌هایی از مفهوم تروریسم زیست‌محیطی یافت می‌شود که یکی از این موارد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که با آوردن قید «پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک» مرتکب را تحت شرایطی مفسد فی‌الارض دانسته است. در ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات نیز فقط برخی از عناصر مادی تروریسم زیست‌محیطی ذکر شده، اما از آن جهت که به قصد اخلاص شدید در نظم عمومی که عنصر متمایزکننده تروریسم زیست‌محیطی از جرم زیست‌محیطی است، اشاره‌ای نکرده، از این رو این ماده یک جرم زیست‌محیطی تلقی می‌شود. در حقوق ایران، همان‌طور که اشاره کردیم، تاکنون تروریسم به‌صورت مستقل جرم‌انگاری نشده، اما قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان در ۱۳۹۴ رسیده است و این امر، بیانگر سیاست جنایی سرگردان ماست که درحالی‌که هنوز در خصوص خود تروریسم قانونی نداریم، اما قانون مبارزه با تأمین منابع مالی آن را داریم. مشکل بیشتر خود را در جایی نشان می‌دهد که مقنن درحالی‌که تعریفی از تروریسم زیست‌محیطی ارائه نداده است، اما در بند «ب ۲» ماده ۱ این قانون «ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آب‌ها و آتش زدن جنگل‌ها» را نام برده است که در واقع همان تروریسم زیست‌محیطی است. این نکات همه بیانگر این مهم هستند که قانونگذار در یک بند تروریسم زیست‌محیطی را از بیوتروریسم جدا کرده و در بند دیگری هر دو را یکی انگاشته است. از سوی دیگر، برخلاف نظام حقوقی فرانسه که ضوابط خاصی را در خصوص رسیدگی به جرائم تروریستی در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی کرده است، نظام حقوقی ایران هیچ سیاست افتراقی حتی در خصوص رسیدگی به این دسته از جرائم را ندارد.

به‌نظر می‌رسد با مطالعه تطبیقی تروریسم زیست‌محیطی در نظام حقوقی فرانسه و ایران، توجه به پیشنهاد زیر می‌تواند در کم کردن چالش‌های فراروی سیاست‌های کیفری ایران نقش‌آفرین باشد:

مفهوم تروریسم زیست محیطی تا حدودی، قابلیت انطباق با عناوین مختلف در فقه و در نظام حقوقی ایران را دارد، اما با توجه به جدید بودن این مفهوم باید آن را همانند کشور فرانسه به صورت مستقل جرم‌انگاری کرد و سیاست جنایی ویژه‌ای را در مورد آن اتخاذ نمود.

منابع

الف) فارسی

۱. آزمایش، علی (۱۳۸۰). «تروریسم بین‌المللی (سخنرانی)»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ش ۱، ص ۱۳۰-۱۴۰.
۲. باقی‌زاده، محمدجواد؛ امیدی‌فرد، عبدالله (۱۳۹۳). «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال دوازدهم، ش ۴۷، صص ۱۷۰-۲۰۰.
۳. برهانی، محسن (۱۳۹۴). «فساد فی الارض: ابهام مفهومی، مفاسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)»، *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران*، دوره ۲، ش ۲ و ۳، صص ۱۹-۴۴.
۴. بیگی، جمال؛ داداشی، محمدمهدی (۱۳۹۳). تروریسم زیست محیطی و ضرورت جرم‌انگاری آن در ایران با تکیه بر اسناد بین‌المللی، همایش ملی ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی.
۵. پورهاشمی، سیدعباس؛ نامیان، پیمان؛ طیبی، سبحان (۱۳۹۴). «جرم‌انگاری تروریسم زیست محیطی چالش‌ها، هنجارها و راهبردها»، *مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره هفدهم، ش ۱، صص ۱۶۷-۱۸۲.
۶. تنکابنی، مرتضی (۱۳۷۹). *نهج الفصاحه*، چ پنجم، تهران، نشر دفتر فرهنگ اسلامی.
۷. دلماس مارتی، می ری (۱۳۹۳). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
۸. زارع مهدوی، قادر؛ دانش ناری، حمیدرضا (۱۳۹۵). *امنیت بین‌المللی و جرائم زیست محیطی*، تهران: میزان.
۹. عالی‌پور، حسن (۱۳۸۵). «تروریسم هسته‌ای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، دوره نهم، ش ۳۳، صص ۵۷۹-۶۰۶.
۱۰. عبدلی، محمدعلی؛ جلیلی قاضی‌زاده، مهدی؛ سمیعی فرد، رضا (۱۳۸۹). *مدیریت پسماند خطرناک*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. غلامی، حسین (۱۳۸۸). «شرم و پیشگیری از تکرار جرم»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال چهارم، ش ۱۰، صص ۵۲-۸۶.
۱۲. قاسمی، ناصر (۱۳۹۱). *حقوق کیفری محیط زیست*، تهران: خرسندی.
۱۳. قهرمانی، مرتضی (۱۳۹۶). *قربان‌بان تروریسم در حقوق بین‌الملل*، تهران: شهر دانش.
۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۳). *فروع کافی*، ترجمه محمدحسین رحیمیان، ج ۵، تهران: نشر بعثت.
۱۵. متقی، افشین؛ کاویانی راد، مراد؛ نجفی؛ سجاد (۱۳۹۴). «رابطه امنیت زیست محیطی با امنیت ملی (مطالعه موردی بیوتروریسم)»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال بیست و دوم، ش ۸۳، صص ۷۵-۱۰۰.
۱۶. مجیدی، محمود (۱۳۸۶). *جرم‌انگاری تهاجمی فرانسه در جرائم تروریستی*، *دوفصلنامه مفید*، ش ۲.
۱۷. ----- (۱۳۹۶). «راهکارهای تأمین جرم‌انگاری توسعه‌گرا در حقوق کیفری»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ششم، ش ۱، صص ۱۶۷-۱۸۴.
۱۸. مشهدی، علی (۱۳۹۱). *بنیادهای حقوق محیط زیست فرانسه*، تهران: خرسندی.
۱۹. ----- (۱۳۹۲). *حق بر محیط زیست سالم*، تهران: میزان.
۲۰. ----- (۱۳۹۳). «اساسی‌سازی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۵، ش ۲، صص ۵۵۹-۵۸۰.

۲۱. مهرا، نسرین؛ کارگری، نوروز (۱۳۹۳). «تروریسم و حقوق کیفری»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۸، صص ۵۵-۸۶.
۲۲. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۶). *حقوق جزای اختصاصی*، ج ۳، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان
۲۳. نبوی، محمدهادی (۱۳۹۴). *جرم‌نگاری تروریسم از منظر آموزه‌های فقه جعفری و حنفی*، تهران: مجد.
۲۴. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۶). *تقریرات درس جرم‌شناسی تروریسم*، دانشکده حقوق دانشگاه پردیس قم.
۲۵. نوبهار، رحیم (۱۳۹۰). «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۱، صص ۹۱-۱۱۴.
۲۶. وایت، راب (۱۳۹۵). *جرائم زیست‌محیطی فراملی*، ترجمه حمیدرضا دانش ناری، تهران: میزان.
۲۷. هاشمی، سید حسین (۱۳۹۵). *نقد فقهی-حقوقی استقلال جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲*، *مجله حقوق تطبیقی*، ش ۲، صص ۱۲۳-۱۴۶.
۲۸. یوسفزاد، نوین (۱۳۹۱). *تروریسم زیست‌محیطی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

(ب) خارجی

29. chalecki Elizabeth L, (2002). *A New Vigilance: Identifying And Reducing The Risks Of Environmental Terrorism*, Global Environmental Politics, vol 2.
30. Schwarts Daniel M, (1998). "Environmental terrorism: Analyzing the concept", *journal of Peace Research*, vol 35, NO 4.
31. Greenberg, d. 2001, Is Terrorism New? (<http://www.hnn.us/article/289>)
32. Kushner, Harvey W. 2003, *Encyclopedia of Terrorism*, Sagr Publications.
33. Nye, Joseph S. 2004, *Power in the Global Information Age From Realism to Globalisation*, Routledge.
34. Pal, Mahendra, Meron, Tsegaye², Fikru, Girzaw², Hailegebrael, Bedada², Vikram, Godishala³, Venkataramana Kandi (2017). "An Overview on Biological Weapons and Bioterrorism", *American Journal of Biomedical Research*, Vol. 5, No. 2, 24-34.
35. Peršak, Nina (2007). *Criminalising Harmful Conduct*, Springer.
36. Schmid, Alex, P, (1993). *The Respones Problem As a Difination Problem, in western Responce to Terrorism*, Terrorism and political, violence, vol 14.
37. Spencer, Alexander, (2006). *Questioning the concept of new terrorism, peace conflict and development*. issue 8, available from www.Peacestudiesjournal.org.uk
38. The Soil Survey Manual Chapter 3, Soil Survey Staff U.S. Dept of Agriculture, 1993. site available, <http://henrico.us/assets/Soil-Profiles-and-Horizons.pdf>.
39. U.S. DEPARTMENT OF HEALTH AND HUMAN SERVICES, (2000), *Biological and Chemical Terrorism: Strategic Plan for Preparedness and Response*, Vol. 49 / No. RR-4

(ج) فرانسوی

40. Gilber Gullaume (1989). *Terrorism et Driot International*, Recueil des Cours, t215.
41. Hutten, Nicolas, *Les nouveaux fondements constitutionnels du driot de l'environnement, Les apports de la Charte de l'environnement a l'order juridique interne*, Thèse en Droit de l'environnement, Université de Paris I Panthéon-Sorbonne, et de Paris II Panthéon-Assas, 2002-2003.
42. Leclerce, Henri, 1994, *Le nouveau code pénal*, 3e éd, paris.
43. Lopez Gerard, (2004) *Stamatios Tzitzis, Dictionnaire de sciences criminelles*, Dalloz.
44. Maison, Rafaele (2004). *La responsabilité individuelle pour crime d'Etat en droit international public*, Bruylant, Bruxelles.
45. Mayaud, Yves, (1997). *Le Terrorism*, paris. Dalloz
46. Poulain Michèle, *La protection de la santé publique face à la menace terroriste* Annuaire Français de Droit International Année 2001 47 pp. 151-173. P 152 (v. Michael MATES,

- Tech nologie et terrorisme, op.cit., § 17. Sur le dernier point, Le Monde 27 juin et 1er juillet 2000).
47. Pradel, Jean(1994). et Michel Danti-juan, Manuel du droit pénal special,2 édit.Cujas,Paris
 48. Prieur,Michel,La mise en oeuvre nationale du droit international de l'environnement dans les pays francophones,Presses Universitaires de Limoges,2003.
 49. Rapport de Mission Pr. D. Raoult sur le bioterrorisme,2003
 50. Roche Catherine,(2006), L'essentiel du Droit de l'environnement.Gualino editeur.